



طلاي آتلاین راهیج سازمانی گردن نمی‌گیرد

دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی با انتقاد از پلاتکلیفی در حوزه تنظیم‌گری طلای آتلاین گفت: هر روز در سازمان‌های مختلف شاهد این هستیم که مسئولیت این حوزه به دیگری واگذار می‌شود. رضا الفت‌نسب، دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، با اشاره به اختلاف‌نظر دستگاه‌های مختلف درباره متولی تنظیم‌گری طلای آتلاین اظهار کرد: در حال حاضر به دنبال این هستیم که سامانه بانک مرکزی را ببینیم و مشخص شود در نهایت چه چارچوبی برای این حوزه در نظر گرفته شده است.

وی با اشاره به دیدگاه‌های متفاوت رؤسای سابق بانک مرکزی درباره جایگاه طلا در نظام تنظیم‌گری کشور افزود: در دوره قبل بانک مرکزی، این دیدگاه وجود داشت که طلا در حوزه مسئولیت بانک مرکزی قرار دارد و این بانک باید در این حوزه نظارت و مجوزدهی کند؛ در مقابل، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که طلا در حوزه فعالیت‌های صنفی می‌داند.

دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی ادامه داد: این اختلاف دیدگاه‌ها در نهایت دودش به چشم کسب‌وکارهای رود و ما هر روز در سازمان‌های مختلف با این مسئله مواجه هستیم که چه کسی قرار است مسئولیت طلای آتلاین را بر عهده بگیرد.

الفت‌نسب تأکید کرد: فعالیت‌های صنفی باید ذیل قوانین نظام صنفی انجام شود و به نظر من باید یک تقسیم کار روشن صورت گیرد؛ بانک مرکزی در حوزه مسئولیت‌های خودش ورود کند، صنف نیز در حوزه خودش تنظیم‌گری و مجوزدهی داشته باشد و نهادهای امنیتی و نظارتی هم وظایف خود را انجام دهند.

وی تصریح کرد: ما با نظارت نهادهای امنیتی و نظارتی مخالفتی نداریم، اما باید چارچوب‌ها و مسئولیت‌ها به صورت شفاف مشخص شود تا کسب‌وکارها یا پلاتکلیفی مواجه نباشند. حمایت از اقتصاد دیجیتال نباید در حد حرف باقی بماند.

دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی در ادامه با انتقاد از نحوه حمایت دولت از کسب‌وکارهای آتلاین گفت: دولت آقای پزشکیان طی دو سال گذشته همواره اعلام کرده که قصد حمایت از کسب‌وکارهای آتلاین را اقتصاد دیجیتال را دارد، اما این حمایت باید در عمل نیز دیده شود.

وی افزود: حدود دو هفته پیش در هیات دولت تصویب شد که هیچ پلتفرمی فیلتر نشود مگر اینکه رئیس‌جمهور دستور دهد، اما چند روز بعد شاهد فیلتر شدن یک پلتفرم در حوزه دارورسانی بودیم. الفت‌نسب با بیان اینکه چنین اتفاقاتی مصوبات دولت را زیر سؤال می‌برد، گفت: اگر دولت نمی‌تواند چنین تصمیمی را اجرا کند، حداقل نباید خودش مصوبات خود را زیر سؤال ببرد. اگر هم تخلفی صورت گرفته است، باید با فرد یا مدیری که مرتکب تخلف شده برخورد شود. وی ادامه داد: قرار نیست کسب‌وکارهای آتلاین هر روز با یک مانع جدید مواجه شوند. در این حوزه و در بخش‌های دیگر باید مانع‌های جدی پیش روی کسب‌وکارهای آتلاین برداشته شود.

دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای حمایت از اقتصاد دیجیتال گفت: تلاش‌های مختلفی صورت گرفته و افراد زیادی و آقا عازم‌رحمت می‌کشند، اما من هنوز چیزی ندیده‌ام که نشان دهد این حمایت‌ها به صورت عملی و مؤثر اتفاق افتاده است.

بانک مرکزی از تنظیم‌گری طلای آتلاین خارج شود

الفت‌نسب درباره آینده تنظیم‌گری بازار طلای آتلاین نیز اظهار کرد: امیدواریم در حوزه طلا بتوانیم در ادامه، روندی را که شنیده‌ام آقای همتی در پیش گرفته‌اند، اصلاح کنیم. وی افزود: من دوست دارم و حتی تشویق می‌کنم که بانک مرکزی از این حوزه خارج شود و به سمت یک فعالیت صنفی حرکت کنیم؛ البته این موضوع باید همراه با تقسیم کار مشخص و نظارت شفاف باشد.

طلای عرضه‌شده در پلتفرم‌ها باید محل ذخیره مشخص داشته باشد

دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مسئولیت پلتفرم‌های آتلاین طلا گفت: توقع ما از پلتفرم‌ها این است که فضا را شفاف کنند. باید طلایی وجود داشته باشد که عرضه می‌شود و ما به صورت جدی معتقدیم طلا باید در محل دقیق، درست و شفافی ذخیره شود.

وی افزود: حتی سامانه نظارتی که خود اتحادیه طراحی کرده بود نیز بر همین موضوع تأکید دارد و نشان می‌دهد که نگاه ما این نیست که پلتفرم‌ها به هر شکلی که خواستند طلا بفروشند. الفت‌نسب با اشاره به عملکرد پلتفرم‌های فعال در این حوزه گفت: تقریباً می‌توان گفت قریب به اتفاق پلتفرم‌ها این موضوع را رعایت کرده‌اند و اقدامات آنها خوب بوده است، اما اگر تعداد اندکی نیز این الزامات را رعایت نمی‌کنند، باید با آنها برخورد شود.

۹۰درصد کاربران پلتفرم‌های طلا کمتر از یک گرم خرید کرده‌اند

وی با تأکید بر ضرورت صیانت از سرمایه‌های خرد مردم گفت: ما به عنوان اتحادیه در کنار مردم هستیم و نباید مردم ضرر کنند. دبیر اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی ادامه داد: حدود ۹۰درصد کاربران پلتفرم‌ها کمتر از یک گرم طلا خریداری کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد بخش متوسط و رو به پایین جامعه برای اینکه از تورم عقب نمانند، با توجه به شرایط اقتصادی موجود، از امکان خرید طلا یا مبالغ اندک استفاده می‌کند.

الفت‌نسب خاطر نشان کرد: وقتی فرصتی ایجاد شده است که مردم بتوانند با مبلغ اندک طلا خریداری کنند، باید از سرما به آنها حفاظت شود و این موضوع مسئولیت مهمی را متوجه دولت، نهادهای نظارتی و خود پلتفرم‌ها می‌کند.

وی در پایان گفت: در این دور روز تلاش کرده‌ایم از دوستان در نهادهای

مختلف، اتحادیه طلا و فعالان قدیمی این صنف دعوت کنیم تا درباره مسائل موجود گفت‌وگو کنیم و امیدواریم بتوانیم در این رویداد به نتایج خوبی برسیم.

در حالی که قیمت ۵۰قلم مواد غذایی پرمصرف

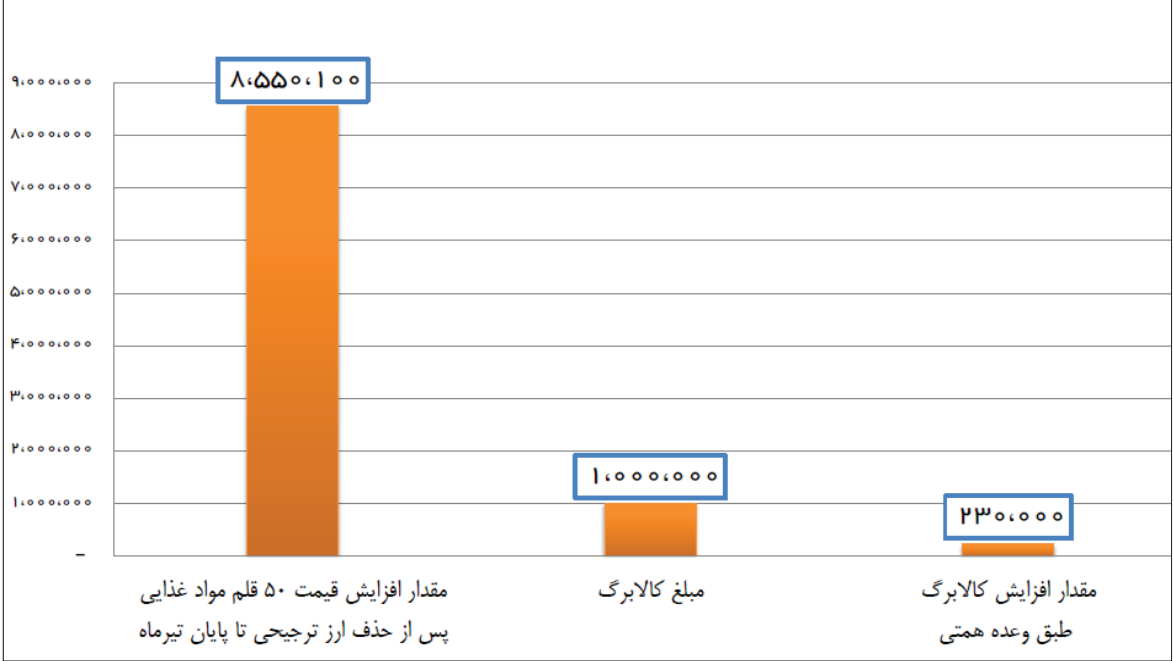
مردم از زمان حذف ارز ترجیحی بیش از ۸ میلیون تومان گران شده، عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی دولت پزشکیان، بر سر مردم منت نهاده و اعلام کرد که افزایش ۲۳۰ هزار تومانی کالابرگ، کافی است.

وعده مسئولان دولت پزشکیان از زمان حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دی‌ماه سال گذشته این بود که متناسب با تورم، مبلغ کالابرگ هم افزایش خواهد یافت تا قدرت خرید مردم کاهش نیابد و حفظ شود؛ اما اکنون که قیمت مواد غذایی به شدت گران شده، آن‌ها برای عمل به آخرین وعده خود یعنی افزایش مبلغ کالابرگ، دبه درمی‌آورند.

در همان زمان به دولت پزشکیان هشدار داده شد که انحراف ارز ترجیحی و تصاحب آن توسط عده‌ای رانتی را رسیدن آن فقط به جیب پولدارها، ادعای

مقایسه گرانی مواد غذایی پس از حذف ارز ترجیحی با مبلغ کالابرگ

(ارقام به تومان)



وعده افزایش ۲۳۰ هزار تومانی کالابرگ؛ پس از گرانی ۸,۵ میلیونی مواد غذایی

نادرستی است و اتفاقاً افزایش شدید قیمت مواد

غذایی پس از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نشان داد که آن سیاست، به درستی در حال اجرا بود و موجب جلوگیری از گرانی بی‌رویه کالاهای اساسی شده بود؛ اما حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و افزایش چند برابری نرخ ارز رسمی به حدود ۱۵۰ هزار تومان، موجب افزایش شدید قیمت همه مواد غذایی شد حتی موادی که به طور مستقیم هم ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای تولید آنها اختصاص نچی یافت. طبیعی بود که تورم تحمیلی ناشی از حذف ارز ترجیحی و چند برابر شدن نرخ ارز رسمی، توفانی به پا کرد که همه کالاهای اساسی را گران کرده است.

بر اساس اطلاعات مرکز آمار، مجموع قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف مردم قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی ۱۲ میلیون و ۱۹۰ هزار تومان بود که در تیرماه امسال به ۲۰ میلیون و ۷۴۰ هزار تومان افزایش یافته است؛ بنابراین هزینه خرید این ۵۰ قلم مواد غذایی ۸,۵ میلیون تومان زیاد شده است. این در حالی است که دولت

هرچند توجیه همتی کاملاً فریبکارانه است و قرار بود به اندازه تورم تحمیلی به مردم، مبلغ کالابرگ زیاد شود، اما حتی با اضافه کردن ۲۳۰ هزار تومان مدنظر همتی به مبلغ کالابرگ، همچنان ۷ میلیون تومان فاصله قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف مردم با قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی پابرجا می‌ماند.

کرده است. این طبقه‌بندی تأثیرگذاری شرکت‌های بیمه برای تعیین حق بیمه را تقویت می‌کند.

از زمان آغاز حملات انصارالله در نوامبر ۲۰۲۳ برای توقف کشتار مردم غزه، تردد کشتیرانی از طریق دریای سرخ هرگز به طور کامل بهبود نیافته است. برخی از حملات تا اواسط سال ۲۰۲۵ ادامه یافت و با آتش بس غزه در اکتبر تبدیل به توقف شکننده شد. همچنین خلیج عدن به دلیل تهدید بالای دزدی دریایی، یکی از جالش برانگیزترین مناطق دریایی جهان است. اگرچه گشت‌های دریایی بین‌المللی فعالیت دزدان دریایی را در مقایسه با اوچ‌آن در اواخر دهه ۲۰۰۰ و اوایل دهه ۲۰۱۰ به شدت کاهش داد اما حملات و تلاش‌ها برای ربودن کشتی در سال‌های اخیر دوباره افزایش یافته است. مجله معتبر لویدر لیست از اعمال محدودیت جدید بیمه‌گران دریایی شرکت‌براد که طی آن، پوشش بیمه اتکایی و بیمه مازاد بر خسارت برای همه کشتی‌های مرتبط با عربستان سعودی دریای سرخ، به طور کامل لغو شده است.

تحولات دریای سرخ نشان داد که در یک بازه زمانی کوتاه حق بیمه ریسک می‌تواند دو برابر شود و این امر در مورد تنگه هرمز حتی نگران‌کننده‌تر نیز است، زیرا توانایی برای بیمه کردن ریسک‌های نظامی در مقیاس بزرگ محدود است. تقریباً ۲۰ درصداً منابع نفتی جهان در شرایط عادی از هرمز عبور می‌کند و اکنون پس از جنگ اخیر بین ایران و ایالات متحده، شرکت‌های کشتیرانی تمایلی به پذیرش ریسک عبور از تنگه هرمز ندارند. بیمه یا به شدت گران است یا در برخی موارد، به سهولت در دسترس نیست.

تلاش بی‌نتیجه واشنگتن

طبق گزارش فابینشال تایمز، دولت ایالات متحده تلاش کرد تا این شکاف را از طریق برنامه بیمه ۴۰ میلیارد دلاری و توسط شرکت تازه تأسیس توسعه مالی ایالات متحده کاهش دهد. هدف این امر، بازگرداندن جریان کشتیرانی به تنگه هرمز در نتیجه، اعمال فشار نزولی بر قیمت جهانی نفت بود؛ اما این برنامه نیز عملاً نتیجه‌بخش نبود و این بودجه ۴۰ میلیارد دلاری هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است.

باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از بیمه دریایی جهان هنوز از طریق لویدر لندن انجام و سندیکایی آن در قیمت‌گذاری و محاسبه ریسک‌های خاص تخصص دارند. به باور برخی از کارشناسان، ابتکارات پیش‌گفته ایالات متحده تا حدودی، در راستای تضعیف تسلط بریتانیا بر این بخش هم بوده که البته آن نیز تاکنون با شکست مواجه شده است. در نتیجه، تداوم وضعیت کنونی، فشار زیادی را بر بازارهای بیمه دریایی وارد می‌کند که ناشی از افزایش حق بیمه‌های ریسک جنگ و محدودیت است و توجه دقیق بیمه‌گذاران را می‌طلبد. بروز اختلالات عملیاتی و اختلاف‌نظرها بر سر اضافه‌بها، بدهای فورس‌ماژور و پوشش بیمه‌ای محموله‌های جنگی، نه فقط جریان عادی کالا و روابط تجاری راحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه حتی در صورت پایداری شرایط، پیامدهای آن در بخش‌های پایین دستی، از جمله بنادر و اپراتورها به سرعت آشکار می‌شود.



به عربستان، حق بیمه محموله‌ها در مسیرهای عبوری از جنوب دریای سرخ تقریباً دو برابر شده است. از همین رو، این امر به هزینه تعیین‌کننده برای شرکت‌های کشتیرانی فعال در تنگه باب‌المندب تبدیل می‌شود.

بر اساس داده‌های روترز، تغییرات در نرخ بیمه خطر جنگ به تنهایی صدها هزار دلار هزینه اضافی در هر سفر دریایی می‌افزاید؛ به طوری که حق بیمه ریسک جنگ تقریباً به ۰.۷۵ درصد از ارزش بیمه شده کشتی افزایش یافته که این رقم پیش از اعلام محاصره دریایی عربستان سعودی توسط انصارالله، تقریباً ۰.۳ درصد بود. یک تغییر به ظاهر کوچک در یک سفر دریایی هفت روزه، به هزینه‌هایی تبدیل می‌شود که می‌تواند حاشیه سود در حمل‌ونقل قله به شدت کاهش دهد. اعلام محاصره دریایی عربستان سعودی توسط انصارالله یمن، محاسبات ریسک را بیشتر تحت تأثیر قرار داد. تشکیل ائتلاف عربی به رهبری عربستان در ۲۱ ژوئیه در راستای محافظت از کشتی‌های تجاری، نشان‌دهنده تلاشی برای برقراری مجدد بازاریاردگی و کاهش سطح ریسک در مبادلات تجاری نیز بود؛ اما با زدن‌دگی در بازارهای بیمه دریایی، بر اساس نتایج محاسبه می‌شود و تا زمانی که تعداد حملات کاهش نیابد، بیمه‌گران همچنان ریسک را به گونه‌ای ارزیابی می‌کنند که گویی هر ترانزیت یک حادثه بالقوه است.

از همین رو خطرات راهبردی به شدت زیاد است. انسداد کامل تنگه باب‌المندب، می‌تواند صادرات نفت عربستان به آسیا را متوقف و تقریباً ۷ درصد از عرضه جهانی نفت را از بازار خارج کند. شرکت آرامکو عربستان، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان از زمان آغاز درگیری آمریکا و اسرائیل با ایران در اواخر فوریه، استفاده از پایانه ینع دریای سرخ را افزایش داده بود. اکنون این امر با افزایش تهدید انصارالله تحت تأثیر قرار گرفته است؛ به طوری که شرکت امنیت دریایی امبری انگلیس کشتی‌های حامل پرچم عربستان یا تحت مدیریت نهادهای سعودی را در دسته کشتی‌های پرخطر طبقه‌بندی

تقاهم‌نامه‌ای که نوبدبخش ۶۰ روز آرامش در منطقه بود، اکنون عملاً به کانون تنش‌های جدید تبدیل شده و از روز گذشته نیز به اتمام رسیده است. به باور بیکر حملات به کشتیرانی در منطقه، نگرانی‌های عمیقی در این صنعت ایجاد کرده است؛ به طوری که نرخ‌های بیمه اکنون بین ۳ تا ۱۰ درصد ارزش بدنه کشتی نوسان دارند؛ یعنی حق بیمه ریسک جنگ برای یک نفتکش ۱۰۰ میلیون دلاری، اکنون به ۳ تا ۳۰ میلیون دلار رسید، در حالی که پیش از درگیری‌ها، این نرخ فقط حدود ۰.۲۵ درصد از ارزش بدنه، معادل ۲۵۰ هزار دلار بود.

در همین راستا، آرسنویو مینگز، دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی از تداوم هزینه‌های بالای بیمه دریایی ابراز نگرانی شدید کرد. وی باور دارد که قیمت‌گذاری‌های فعلی بازار با بهبود شرایط تطبیق نیافته است.

در مقابل، اتحادیه بین‌المللی بیمه‌گران دریایی (IUMI) با انتقاد از اظهارات دبیرکل IMO، آن را غیرمنصفانه خواند. این نهاد در بیانیه‌ای تأکید کرد: بیمه دریایی بخشی از راه‌حل است، نه بخشی از مشکل؛ چراکه با وجود تداوم نوسانات، در طول همه دوران بحران همواره پوشش بیمه‌ای ارائه داده است. این اتحادیه با دفاع از ماهیت رقابتی بازار بیمه تأکید کرد که قیمت‌ها تنها بازتاب‌دهنده ریسک‌های واقعی هستند؛ چراکه کشتی‌ها همچنان در تنگه هدف حملات قرار می‌گیرند و در چنین فضای رقابتی، مداخله دولت‌ها در مکانیزم بازار توجیه منطقی ندارد.

سایه سنگین هرمز و باب‌المندب

اکنون دریای سرخ، تنگه هرمز، خلیج عدن و دریای سیاه، ریسک نظامی دیگری به عنوان بند عجیب و غریبی نیست، بلکه تغییر تأثیرگذار دریایی است که صرفه اقتصادی آن را تعیین می‌کند. پیامدهای این امر نیز در سراسر زنجیره‌های تأمین جهانی در حال گسترش است. برای نمونه به دنبال تحولات جنوب دریای سرخ و تشدید حملات انصارالله یمن

کرد. کردها، کشورهای زیادی وابسته به میلیون بشکه صادرات روزانه فرآورده‌های نفتی از آن‌ها هستند که عمده آن گازوئیل است. به عنوان مثال، انگلستان بزرگ‌ترین واردکننده گازوئیل در اروپا است. انگلیسی‌ها سال ۲۰۰۲ و زمان تازه‌راهی آن کودگون و بارون شروع به روی آوردن به گازوئیل کردها، ۰٫۹ درصد فرآورده‌های انگلستان گازوئیل سوز است. در نتیجه انگلیسی که شدیداً وابسته به واردات گازوئیل از غرب با سیاست این روزهای به شدت تحت فشار گرفته افتاده و استرالیا و فیلیپین نیز شرایط مشابهی داشته و از انسداد دنگ هرمز شدیداً تحت فشارند. از سوی دیگر، عمده گاز هلیوم صادراتی از خاورمیانه و تنگه هرمز در دنیای غرب جنوبی برای دستگاه‌های خنک‌کننده کارخانه‌های تولید چیپس مورد استفاده قرار می‌گیرد که جریان آن با انسداد دنگ هرمز مختل شده است. اسید سولفوریک که در جهان مورد استفاده برای تولید کانت است؛ اسید، ماده اولیه‌ای یعنی گوگرد به خاورمیانه برای تولید و وابسته است. مس هم همان طور که می‌دانید در صنایع برقی و نظامی کاربرد بالایی دارد؛ بنابراین تنگه هرمز ساحلی استراتژیک در دستان ایران است و کسانی که می‌توانند دنگ هرمز را بدیده بروند کاملاً بی‌نیاز هستند. دنگ هرمز با هیچ امتیازی نمی‌توان معامله کرد، هیچ‌وقت نباید اجازه داد هیچ مسرمانی تنگه هرمز را دریافت. چراکه آمریکا به دنبال حذف ما از این مسیر مهم و حاکم کردن ترتیبات آمریکایی در تنگه هرمز است.

■ آینده بازار انرژی به خصوص بازار نفت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به اعتقاد قیمت نفت افزایشی خواهد بود. اولاً به دلیل که ذخایر استراتژیک نفت جهان در طول جنگ با ایران به دلیل محروم شدن بازار از روزانه ۱۶ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت خاورمیانه به میزان زیادی تخلیه شده و جبران آن ماه‌ها زمان خواهد برد. ثانیاً به این دلیل که افاق برای بازگشایی تنگه هرمز پایان جنگ اوگرانی متصور نیستم.

■ اخیراً رئیس‌جمهور آمریکا ادعا کرده که پول ملی ایران را نابود خواهد کرد. این سؤال پیش می‌آید که ریشه اصلی کاهش دائمی ارزش پول ملی ایران داخلی بوده یا خارجی است و آیا ادعای رئیس‌جمهور آمریکا منطبق با واقعیت بوده یا تنها بلوف زده است؟

۹۰ درصد تلاطمات ارزی در ایران به دلیل تصمیمات غلط سیاستگذاران دولتی است. وقتی وزارت صمت پیش از جنگ تحمیلی سوم به بهانه‌های مختلف ۴۶۴ قلم کالای نامرئوپر وارد ایران می‌کرد، برای تسهیل آسانسای دنیا به انتقال از برای واردات اراتر می‌دهد؛ واقعا نمی‌شود سخن نگفت. آخر آیموه تغلیظ شده یا ظروف لوازم آرایشی چه ربطی به ضروریات زندگی مردم دارند که از سوی وزارت صمت به کالاهای دنیا به نیاز به انتقال از قرار گرفته بودند. در دیپلماسی اسلام هم شاهد بودیم که ۲۰۰ قلم کالای ضروری برای واردات از سوی وزارت صمت اعلام شدند که یکی از دیگری بی ربط تر بودند. خب وقتی این کارهای اشتباه از سوی وزارت صمت صورت می‌گیرد معلوم است بازار از به هم می‌ریزد؛ زیرا ما برای ۱۰۰ میلیارد دلار مجوز وارد می‌دهیم؛ در حالی که دولت به صحت و بی‌صحت کالاهای وارداتی دقت ندارد؛ در نتیجه جوری که در فضا ختم می‌شود؛ با اولویت دستگاه و تأمین از محفل مانده مجبور می‌شود به بازار آزاد رجوع کند که نتیجه آن فشار به بازار و وقوع جهش‌های ارزی است. به بیان ساده‌تر، عملکرد غلط وزارت صمت عامل افزایش قیمت دلار و کاهش ارزش پول ملی ایران است. همین است که ما در این کشور آتش جنگ اقتصادی داریم و وزارت صمت به دائم با کالاهای بی ربط مجوز واردات بدون انتقال از می‌دهد. همین کارهای اشتباه ما دست راهبرداران راری بلوف زن دربار اقتصاد ایران باز کرده است. وگرنه همان طور که عملکرد ۴۶۴ درصد نابودی ارزش پول ملی و افزایش نرخ دلار به دلیل غلطی در ارزیابی بودیساتی توابع و برزگر است او هم اگر ما عملکردمان درست باشد هیچ غلطی نمی‌تواند بکنند.

■ آیا کرنش در برابر آمریکا راه حل مشکلات اقتصاد ماست؟

به دهه ۸۰ میلادی بازگردیم. کشور
 مصر زمانی پرچم‌دار مبارزه با رژیم
 صهیونیستی بود؛ اما با امضای پیمان
 کمپ دیوید به قول آمریکایی‌ها تبدیل به
 کشوری زوال‌نما شد. «مصر حتی واردکننده
 گاز از رژیم صهیونیستی است؛ اما همین
 مصر که روابط خوبی با آمریکا و اسرائیل
 دارد» در فلات مطلق اقتصادی است.
 مصری‌ها با ۱۰ میلیون تن، بزرگ‌ترین
 واردکننده گندم در جهان هستند. به
 بیان دیگر، کرش کرش کردن در برابر آمریکا
 کشوری را تاکنون گلستان نکرده است.
 اگر با پذیرفتن فرامین آمریکا کشوری
 قرار بود به آبادی مصریان
 شبیه سوئیس می‌شد. در حالی که مصر
 وابسته‌ترین کشور در واردات غلات و
 انرژی است. نرخ فقر مطلق در مصرین
 بسیار بالاتر از ایران است.

های پزشکی است

A portrait of a man with short, dark hair and a light beard, wearing a grey checkered blazer over a dark green button-down shirt. He is seated with his hands clasped in front of him, looking directly at the camera against a dark, textured background.

دکتر حسن حسنخانی، اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی درگفت‌وگو با چارسوق:

۹۰ درصد کاهش ارزش پول ملی به دلیل سیاستگذاری‌های غلط اقتصادی است

■ اگر رابطه با آمریکا حلال مشکلات بود مصر باید سوئیس می‌شد ■ دلیل عقب‌نشینی‌های پیاپی ترامپ در برابر ایران، اقتصادی است ■ ایران با کنترل تنگه هرمز نبض اقتصاد جهانی را در دست گرفته است ■ باید با جانمان از تنگه هرمز حفاظت کنیم ■ ژاپن به عنوان مرکز ثقل اقتصاد آمریکا وابسته به انرژی خاورمیانه است ■ کمبود گازوئیل خاورمیانه کشورهای زیادی را آزار می‌دهد ■ کمی بیشتر بر تنگه هرمز فشار بیاوریم در اقتصاد آمریکا بحران رخ خواهد داد ■ اگر سیاستگذاری در کشور ما درست باشد ترامپ نمی‌تواند با اقتصاد ایران کاری کند

خطرناک در طول تاریخ این کشور ایجاد کرده است. اگر این نسبت همچنان بزرگتر شود و فاصله میان بدهی ملی و تولید ناخالص داخلی به همین مقدار افزایش یابد؛ بحران بی سابقه‌ای در اقتصاد آمریکا ایجاد خواهد شد.

■ در شرایط فعلی برای اینکه آمریکا به تعهداتش عمل کند و بیشترین امتیاز ممکن را بتوانیم از آمریکایی‌ها بگیریم باید چه کنیم؟

هیچ نقطه تعادلی در نزاع میان آمریکا و ایران وجود ندارد. مگر اینکه ایرانی تصفیه شده، لبنانیزه شده و ورتولایز شده داشته باشیم که تابع و فرمان بردار آمریکا باشد. اصطلاحاً آمریکایی‌ها به هم در سخنانشان دائماً گویند که ایران باید یک کشور نرمال تبدیل شود و معطوف‌شان همین ایران ضعیف شده‌ی دیروز است؛ اما بحرف‌های تصور آمریکایی‌ها، ایران در قندمه گلوگاه اقتصاد جهانی در تنگه هرمز را کنترل می‌کند و در صورتی که اراده کند می‌تواند با ایجاد بحران برای ژاپن، منطقه خلیج بدهی آمریکا را به شکلی و مشتاکت که بر حرکت درآورد؛ بنابراین تنگه هرمز اهم‌فشاری در دستان ایران است که آمریکایی‌ها حاضرند هر امتیازی بدهند تا ایران آن را باز کند، یعنی اگر ما می‌خواهیم از آمریکایی‌ها امتیاز بگیریم باید دستمون رو از تنگه هرمز باقی بماند تا در صورت زیاده‌خواهی آن‌ها بتوانیم به ثبات مالی آمریکایی‌ها ضربه بزنیم. حفظ ثبات مالی آن را هر چیزی برای آمریکا مهم‌تر است و باید آن را هر امتیازی به ایران خواهد داد؛ بنابراین باید به جامان از تنگه هرمز در برابر دشمن پاسداری کنیم.

■ کمی بیشتر درباره اهمیت تنگه هرمز توضیح دهید و آیا به راستی می‌توان این تنگه را در برابر امتیازات پیشنهاد شده از سوی دشمن معامله کرد؟

خلیج فارس از نظر اقتصادی و استراتژی به واسطه انسداد تنگه هرمز ضرر

ت از افزایش ظرفیت رشت



ن برنامه هفتم را در مجلس پذیرفت و هدف آن نیز ارتقای به یک تعادل انسانی در ساعات

مجلس بایان اینکه در بررسی وچه شدیم که رویکرد اجرائی اهداف مورد انتظار قانون گذار هده می شود که بخش قابل فیت، به رشته های تخصصی می صندی های خالی بوده اند. ست که افزایش عددی ظرفیت مارد واقعیت، دسترسی مردم

نیات تغییری نکنند. آمرازه ده سال گذشته در گشت: نگاهی به آمرازه دهه در به برخی رشته های کلیدی، کننده و روبرو بوده ایم. برای یکه ای تخصص های اساسی موزن امتعادل است، در ۲۴ درصدی در ظرفیت

پذیرش بوده ایم، همچنین ظرفیت دانشگاه بزرگ علوم پزشکی کشور در حلق وینی در طی ده سال ثابت بوده است در همین دانشگاه ها در رشته چشم ده سال تنها دو نفر ظرفیت افزایش یافته است، ضرورت بازنگری در ظرفیت ها رایش از پیش آشکار می خضریان با اشاره به نامه ۳۱ دفتر آقا

عبارت دیگری، یک دلار ۱۶۴ ایران شد؛ یعنی به قدری بی تضمین بانک مرکزی ایران مجبور شد که نرخ بهره در افزایش دهد. کسب و کاری نرخ بهره از افزایش می باید به دلیل پیوسته اقتصاد ایران آمریکا، هزینه استقراض از آمریکا افزایش می دهد. هزینه استقراض از آمریکا به معنای کسب و کاری در ایران خواهد بود. در نتیجه بانک مرکزی آمریکا با همان دلار رزرو خود، در آمریکا می باید با همان هزینه ۵۰۰ میلیارد دلار و ۲۰۰ میلیارد دلار برای خرید آمریکا را فروخته و مدت می جای آن نرخ خود را تا به افزایش نرخ بهره در این کشور تبدیل و با دلار در بازار افزایش در نتیجه نرخ برابری بین دلار به یک دلار در برابر ۱۵۷ یورو در ایران است. در نتیجه ۹۰ درصد ارزی مورد نیاز خود را از آمریکا می تواند بکشد. در نتیجه هر قدری در راستای افزایش ایران به آمریکا از نظر در غرب آسیا کاملاً به ضرر اقتصاد ایران و تضعیف کننده می است. همان طور که توضیح دادم هر نوع کاهش ارزش دلار پیوسته میان اقتصاد ایران و آمریکا به معنای افزایش استقراض از آمریکا است که هر ساز خواهد بود. لذا، دولت آمریکا این است که تا جای ممکن ارزش یورو در برابر هیچ گاه از سطحی بیشتر کاهش نیابد؛ بنابراین جمهوری ایران با اعمال کنترل بر تنگه هرمز که در نتیجه آن قیمت جهانی در حال افزایش است؛ در اصل دارد به واسطه کاهش به یازمی آورد؛ اقتصاد آمریکا را جالش و بحران روبرو می نماید. در نتیجه اقتصاد مثبت است و هر مشکلی در اقتصاد ایران تبعات اقتصادی برای آمریکا خواهد داشت.

آیا اقتصاد آمریکا را مستعد تجربه یک بحران
مثلاً مشابه سال ۲۰۰۸ از زبانی می‌کنید؟

اخیراً فدرال رزرو اعلام کرده که نرخ بهره در آمریکا را بین ۳٫۷۵ درصد ثابت نگه خواهد داشت. توجه کنید که مرکز بازده اوراق قرضه در آمریکا همین نرخ بهره اعلامی بانک آمریکاست. کارشناسان پیش بینی می‌کنند که اگر روزی

نخبات قدری سریع حرکت خواهد کرد که بهمن بدهی ها قابل نخواهد بود. توجه داشته باشید که همین الآن اقتصاد آمریکا

یم که
به

[illegible]

گفت و گو

برای بررسی بیشتر تبعات بحران خاورمیانه بر اقتصاد ایران، به گفت و گو با دکتر حسن حسن خانی، اقتصاددان مسائل اقتصادی پرداخته ایم:

■ آیا ترامپ صرفاً به دلیل کمبود تسلیحات موشک‌های رهگیر، حمله مجدد به ایران را تعویق می‌اندازد یا در پس پرده دلایل دیگر دارد؟

[illegible]

■ یعنی هر نوع مشکلی در اقتصاد ژاپن با اقتصادی برای آمریکا خواهد بود؟

بگذارید ساده‌تر توضیح بدهم. در هفته‌های اخیر شاه برای اولین بار در تاریخ، نرخ برابری ین در برابر دلار به ۴

عضو کمیسیون اصل نود مجلس با بیان اینکه مجلس با توجه به بررسی داده‌ای ده سال اخیر دانشگاه‌های بزرگ کشور و با هدف رفع نیاز پزشک متخصص، وزارت بهداشت را در برنامه هفتم پیشرفت ملکف کرد تا سالانه ۱۲ درصد ظرفیت رشته‌های تخصصی را افزایش دهد، گفت: وزارتخانه اجرای این قانون را به طور جدی دنبال نمی‌کند.

علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس با انتقاد از نام اجرای صحیح قانون برنامه هفتم پیشرفت توسط وزارت بهداشت که موجب کمبود پزشک متخصص در کشور می‌شود، تصریح کرد: دسترسی به خدمات تخصصی پزشکی، یکی از حیاتی‌ترین حقوق شهروندان است که در سطح از مدیریت سازمان باید به عنوان اولویت قرار گیرد. وی افزود: متأسفانه در حال حاضر در بسیاری از شهرستان‌ها، شاهد شکاف عمیق بین زیرساخت‌های بهداشتی و نیروی انسانی متخصص هستیم و در حالی که بیمارستان‌های جدید احداث شده‌اند، اما کمبود تخصص در این مراکز و صف‌های طولانی در مطب‌ها، نشان می‌دهد که توزیع نیروی انسانی با نیاز واقعی مردم همخوانی ندارد. خضریان با

” اخبار



ایران می‌تواند از عبور کالاها از تنگه هرمز ۸۶ میلیارد دلار درآمد کسب کند

یک کارشناس مسائل عمان گفت: براساس برآورد انجام شده، ارزش کالای عبوری از تنگه هرمز در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۲۲۰ میلیارد دلار بوده است؛ رقمی که یک برآورد حاقلی محسوب می شود. ایران با دریافت یک درصد عوارض می تواند حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد داشته باشد و این رقم با عوارض پنج و هفت درصدی به ترتیب به حدود ۶۰ و ۱۲۰ میلیارد دلار می رسد.

جواد میگرلو گیو بیات، کارشناس مسائل عمان در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصاد معاصر درباره میزان کالا و انرژی عبوری از تنگه هرمز، ارزش این تجارت و میزان عوارضی که ایران می‌تواند از آن دریافت کند، اظهار کرد: در بخش نفت و گاز، نفت مشخص وجود دارد که می‌توان آن را استخراج کرد و با کسب فروش نفت ایران، به یک عدد مشخص رسید. به طور کلی ما با همکاری دوستانی که از تراز اول کشور هستند، آمار را در پنج گروه استخراج کرده‌ایم.

وی افزود: این پنج گروه شامل نفت خام، میعانات گازی و مشتقات نفتی، گاز مایع، هله خشک، کالاهای کانتینری و کالاهای عمومی است که روی پایت حمل می شوند؛ مانند خودرو، تجهیزات، کولر گازی، لامپ و موارد مشابه. در برآورد حداقلی و با تخفیف زیادی که در درجه حسابداری لحاظ کرده‌ام، ارزش کالاهایی که از تنگه هرمز عبور می کنند، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار است؛ البته این رقم می تواند بیشتر از این نیز باشد. مگر وی بیات تصریح کرد: طبق آمار سال ۲۰۲۲، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار کالا از تنگه هرمز عبور و مرور می کند. البته جنگی که در منطقه جریان داشت تا در این محاسبات لحاظ نکرده‌ام، اگر فقط یک درصد از این رقم را به عنوان عوارض دریافت کنیم، حدود ۱۲ میلیون دلار درآمد خالص خواهد داشت؛ یعنی تقریباً یک چهارم درآمد نفتی کشور.

وی ادامه داد: اگر این عوارض را به سه درصد افزایش دهیم، درآمد به حدود ۴۶ میلیارد دلار می‌رسد. روترز با کسبوس نیز پیشنهاد کرده بود که ایران درصدی از ارزش کالاهای عبوری را به عنوان عوارض دریافت کند. ظاهر ایران در این زمینه رقم درصد را مدنظر دارد. اگر هفت درصد دریافت شود، درآمد به حدود ۸۶ میلیارد دلار می‌رسد و اگر پنج درصد باشد، رقمی کمتر حدود ۵۱ میلیارد دلار خواهد شد.

این کارشناس مسائل عمان بیان کرد: بنابراین حتی در سناریوی حداقلی، یعنی دریافت یک درصد عوارض از ارزش افزوده‌ای که از تنگه همز عبور می‌کند، می‌توانیم حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد داشته باشیم. نکته مهم این است که ارزش افزوده ۱۳۰ میلیارد دلاری که ما استخراج کرده‌ایم نیز خودش یک برآورد حداقلی است؛ بنابراین در این سناریوی می‌توانیم حداقل ۱۲ میلیارد دلار درآمد داشته باشیم.

میرگلو بیات همچنین گفت: این رقم تقریباً به اندازه مطالباتی است که مادر حال حاضر از قطر داریم. دریافت این عوارض نشان می‌دهد که ما بر تنگه کنترل داریم و به نوعی یک مؤلفه و پشتوانه اقتصادی برای ترتیبات امنیتی مورد نظر ما نیز ایجاد می‌کند.

این کارشناس مسائل عمان تاکید کرد: عمان در ابتدا با پیشنهادات همکاری می کرد اما با افزایش فشارها، رویکرد این کشور تغییر کرد. خود عمانی ها نیز اذعان کرده اند که تمایل دارند صرفاً در حوزه های فنی و حقوقی فعالیت کنند؛ به این معنا که در صورت نیاز کشتی ها به راهنمایی، خدمات ارائه دهنده را در صورت نیاز به بدکشی خدمات بدکشی را انجام دهند و سایر خدمات مشابه را نیز ارائه کنند. به نظر نمی رسد ارائه خدمات درآمد قابل توجهی برای دولت عمان ایجاد کند و درآمد حاصل از آن در حد چند ده میلیون دلار و نهایتاً حدود ۲۰۰ میلیون دلار خواهد بود. در چنین شرایطی، اینکه عمان بخواهد این رویکرد، در صورت جدی در کنار ایران گیرد و از اراده ملت و دولت این کشور حمایت کند، با توجه به شرایط فعلی دولت عمان چندان اقبال تصور نیست.

یک میلیارد دلار می‌تواند کمک قابل توجهی به دولت عمان باشد و حتی بخشی از کسری بودجه این کشور را جبران کند. اگر عمان بتواند از طریق سیاست‌های مختلف یک میلیارد دلار صرفه جویی یا درآمد ایجاد کند، این رقم برای این کشور قابل توجه خواهد بود. بیات ادامه داد: خود عمانی‌ها نیز می‌تواند این مسئله شده‌اند و تاکید آنها بیشتر بر مسائل رفاهی و حقوقی است، نه مسائل امنیتی. به این معنا که اگر کشتی دچار مشکل شود، موجب آلودگی شود، به کمک نیاز داشته باشد یا نیازمند استفاده از بندرگاه باشد، عمل خدمات لازم را ارائه می‌دهد و در مقابل، هزینه دریافت می‌کند. با این حال، این خدمات نیز درآمد قابل توجهی برای دولت عمان ایجاد نمی‌کند و نه‌نهایتاً در حدود ۲۰۰ میلیون دلار خواهد بود. وی این کرد: مسئله دیگری که نباید فراموش شود، تأثیر جنگ رمضان بر بخش‌های مختلف اقتصاد عمان است. جنگ، تمام

بخش‌های اقتصادی عمان را تحت تأثیر قرار داد اما در طول جنگ، یعنی در شش ماه نخست سال ۲۰۲۶ که حدود چهار ماه آن با جنگ رمضان هم‌زمان بود، تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی عمان رشد اقتصادی مثبت داشتند؛ از بخش املاک و مستغلات گرفته تا نفت، ترازیت و

بخش فروذگاهی. آمارهای قابل توجهی نیز در این زمینه وجود دارد. این کارشناس مسائل عمان تصریح کرد: برای مثال، میزان خرید نفت از عمان حدود ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. همچنین آماری که اخیراً مطالعه کردم، نشان می‌داد فروش سوخت هواپیما در عمان در این مدت نزدیک به ۲۰ درصد افزایش یافته است. این موضوع بسیار قابل توجه است. صنعت هواپیمایی عمان پیش از این زمان ده‌ها هواپیمای خارجی‌هایی که در طول جنگ انجام می‌شد، باعث شد این بخش، دست‌کم در برخی ماه‌های جنگ و پس از آن، به سمت سوددهی حرکت کند.

بیات گفت: تا زمانی که هواپیماهای منطقه جدیداً فعالیت عادی خود را از سر بگیرند، ممکن است این وضعیت ادامه داشته باشد. بخش گردشگری عمان نیز آسیب مختصری دید که احتمالاً در فصل زمستان جبران خواهد شد. اخیراً نیز در فصل موسم، یعنی فصل خنک جنوب عمان که در واقع بقیه سال جزیره عربی محسوب می‌شود، آمارها بهبود یافته و این بخش نیز در حال بازگشت به روند رشد است. وی ادامه داد: بنابراین، عمان پس از یک آسیب مختصر، در مجموع شاهد رشد اقتصادی در دوران رکود رمضانی بوده است. نکته مهم این است که عمان برای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی خود وابستگی مستقیمی به تنگه هرمز ندارد. در آن سوی تنگه هرمز، دریای عرب قرار دارد و عمان از طریق سرزمین اصلی و بنادر خود به این مسیر دسترسی دارد.



دیوان عدالت اداری؛ حامی خودروسازان؛ علیه مردم انتقال ریسک افزایش قیمت خودرو به خریدار

✎ با رأی دیوان عدالت اداری نحوه محاسبه قیمت خودروهای پیش‌فروشی و مشارکت در تولید تغییر کرد. سخنگوی شورای رقابت اعلام کرد: در پی شکایت خودروسازان و با وجود دفاعیات این شورا، دیوان عدالت اداری مصوبه ۴۷۳ و اصلاحات بعدی شورای رقابت را ابطال کرده است؛ مصوبه‌ای که از حقوق مصرف‌کنندگان در قراردادهای پیش‌فروش خودرو حمایت می‌کرد.

به گفته وی؛ اگرچه هیات عمومی دیوان عدالت اداری در مرحله بدوی رأی در حمایت از مصوبه شورا صادر کرده بود، در نهایت شکایت خودروسازان وارد تشخیص داده شد و رأی به ابطال این مصوبه صادر شد.

مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت مقرر می‌کرد مبلغ اولیه‌ای که خریدار در زمان پیش‌فروش خودرو پرداخت می‌کند، نباید مشمول تورم احتمالی و افزایش قیمت‌های بعدی شود، به این ترتیب، بخشی از بهای خودرو در زمان انعقاد قرارداد برای خریدار تثبیت می‌شد. با ابطال این مصوبه، خودروسازان داخلی و شرکت‌های مونتاژکننده دیگر ملزم به رعایت این قاعده نخواهند بود، در نتیجه، خریداران خودروهای پیش‌فروشی یا مشارکت در تولید ممکن است هنگام تحویل، ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت بر اساس نرخ روز خودرو شوند.

این وضعیت می‌تواند فاصله میان مبلغ پرداختی در زمان ثبت نام و قیمت نهایی خودرو را افزایش دهد؛ موضوعی که برای مصرف‌کننده، به‌ویژه در شرایط تورمی، ریسک مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند. خریدار ممکن است در زمان انعقاد قرارداد توان پرداخت مبلغ اولیه را داشته باشد، اما هنگام تحویل خودرو یا افزایش بهای خودرو و ناتوانی در تأمین مابه‌التفاوت مواجه شود.

چالش‌های جدید برای خریداران خودرو

ابطال این مصوبه دست کم سه پیامد مهم برای متقاضیان خرید خودرو دارد:

۱. کاهش قطعیت قیمت نهایی: خریدار در زمان پیش‌فروش از مبلغ نهایی خودرو اطمینان نخواهد داشت.

۲. افزایش ریسک قرارداد‌های بلندمدت: هرچه فاصله زمانی میان ثبت نام و تحویل بیشتر باشد، احتمال افزایش مابه‌التفاوت نیز بالاتر می‌رود.

۳. احتمال افزایش انصراف یا ناتوانی در تکمیل وجه: رشد قیمت نهایی ممکن است برخی خریداران را از ادامه قرارداد منصرف کند یا توان مالی آنان برای تکمیل وجه را کاهش دهد.

از سوی دیگر، این تصمیم می‌تواند مقایسه میان طرح‌های فروش را برای مصرف‌کنندگان دشوارتر کند. در شرایطی که قیمت قطعی، علی‌الحساب یا قابل تعدیل در قراردادها به‌صورت یکسان تفسیر نمی‌شود، خریدار باید پیش از پرداخت وجه، مفاد قرارداد، مبنای محاسبه قیمت نهایی، زمان تحویل و شرایط انصراف را با دقت بیشتری بررسی کند.

سخنگوی شورای رقابت همچنین اعلام کرد: با ابطال مصوبه ۴۷۳، امکان طرح شکایت

چالش اصلی آن است که در نبود سازوکار مشخص برای مهار افزایش قیمت، خریدار پیش از دریافت خودرو بخش قابل توجهی از ریسک اقتصادی قرارداد را به عهده می‌گیرد؛ در حالی که قدرت چانه‌زنی او در برابر شرکت فروشنده محدود است

چالش اصلی آن است که در نبود سازوکار مشخص برای مهار افزایش قیمت، خریدار پیش از دریافت خودرو بخش قابل توجهی از ریسک اقتصادی قرارداد را به عهده می‌گیرد؛ در حالی که قدرت چانه‌زنی او در برابر شرکت فروشنده محدود است

چالش اصلی آن است که در نبود سازوکار مشخص برای مهار افزایش قیمت، خریدار پیش از دریافت خودرو بخش قابل توجهی از ریسک اقتصادی قرارداد را به عهده می‌گیرد؛ در حالی که قدرت چانه‌زنی او در برابر شرکت فروشنده محدود است

ضرورت شفاف‌سازی قرارداد‌های فروش

این رأی، اهمیت شفافیت قرارداد‌های پیش‌فروش و مشارکت در تولید را افزایش می‌دهد. خودروسازان باید مشخص کنند قیمت نهایی خودرو بر چه مبنایی تعیین می‌شود، افزایش قیمت شامل چه دوره‌ای است و خریدار در صورت ناتوانی از تکمیل وجه چه حقوق و تعهداتی خواهد داشت.

از منظر بازار نیز، انتقال کامل ریسک تورم به مصرف‌کننده می‌تواند جذابیت طرح‌های پیش‌فروش را کاهش دهد و تقاضا را به سمت خرید خودرو با قیمت قطعی سوق دهد، در مقابل، خودروسازان ممکن است با استناد به افزایش هزینه‌های تولید و نوسان قیمت نهاده‌ها، این تصمیم را عاملی برای کاهش زیان قرارداد‌های فروش و مشارکت در تولید بدانند.

با این حال، چالش اصلی آن است که در نبود سازوکار مشخص برای مهار افزایش قیمت، خریدار پیش از دریافت خودرو بخش قابل توجهی از ریسک اقتصادی قرارداد را به عهده می‌گیرد؛ در حالی که قدرت چانه‌زنی او در برابر شرکت فروشنده محدود است.

شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۹ ربیع الاول ۱۴۴۸ ■ ۲۲ August ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۳۵ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



نوسان ارز در ایران؛ دردی که با مُسکن درمان نمی‌شود

گزارش

✎ نوسان ارز در ایران فقط حاصل کمبود دلار نیست؛ برآیند تورم، کسری بودجه، تحریم و بی‌اعتمادی است.

بازار ارز در ایران سال‌هاست به جایی رسیده که دیگر نمی‌شود آن را فقط با عدد و نمودار توضیح داد. هر بار که نرخ‌ها بالا می‌رود، نگاه‌ها به سمت بانک مرکزی برمی‌گردد؛ انگار کلید همه‌فقل‌ها در دست این نهاد است.

اما واقعیت این است که بازار ارز، بیش از آنکه محل بروز یک مشکل مستقل باشد، صحنه آشکار شدن مجموعه‌ای از نارسایی‌های انباشته اقتصاد ایران است؛ از کسری بودجه و تورم مزمن گرفته تا تحریم، نااطمینانی، ضعف سیاستگذاری و چندپارگی در تصمیم‌گیری.

در چنین شرایطی، مداخله بانک مرکزی در بازار ارز نه انتخابی لوکس، بلکه ضروری اجتناب‌ناپذیر است. هیچ سیاست‌گذار پولی نمی‌تواند در برابر تلاطم‌های شدید بازار دست روی دست بگذارد و نظاره‌گر باشد؛ اما مسئله از جایی شروع می‌شود که از این مداخله، انتظاری فراتر از ظرفیت آن ساخته می‌شود.

در ایران، بانک مرکزی بارها در موقعیتی قرار گرفته که باید نه فقط نوسان بازار ارز، بلکه تبعات ضعف در بودجه‌ریزی، تجارت خارجی، تأمین مالی دولت و حتی بی‌ثباتی انتظارات عمومی را هم یک‌تکه جمع کند؛ انتظاری که از اساس، با واقعیت اقتصاد سازگار نیست.

بازار ارز در ایران فقط بازاری برای خرید و فروش دلار و یورو نیست. این بازار عملاً به نقطه تلاقی سیاست‌های مختلف تبدیل شده

شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۹ ربیع الاول ۱۴۴۸ ■ ۲۲ August ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۳۵ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

است؛ از تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی و دارو گرفته تا تأمین نیازهای تولید، نهاده‌های کشاورزی و حتی بخشی از نیازهای انرژی.

همین گستردگی میدان عمل باعث شده که مداخله ارزی در ایران معنایی بسیار وسیع‌تر از مفهوم کلاسیک آن داشته باشد. اینجا فقط بحث فروش ارز برای پایین آوردن قیمت یا خرید آن برای مهار افت نرخ مطرح نیست؛ خود تخصیص ارز، اولویت‌بندی مصرف منابع و تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام بخش در صف اول دریافت ارز قرار بگیرد، بخشی از مداخله است.

همین نقطه، یکی از گره‌های اصلی سیاست ارزی کشور را روشن می‌کند. بانک مرکزی در ایران فقط نقش یک سیاستگذار پولی را ایفا نمی‌کند، بلکه در بسیاری از مواقع درگیر عملیات اجرایی، تخصیصی و حتی تجاری هم می‌شود.

وقتی این نهاد باید از حاصل از صادرات نفت و گاز را از دولت تحویل بگیرد، برای آن ریال تأمین کند، بعد همان ارز را در بازار یا در مسیر تخصیص به بخش‌های مختلف بازتوزیع کند، عملاً از جایگاه یک تنظیم‌گر فاصله می‌گیرد و وارد میدان اجرا می‌شود. این همان نقطه‌ای است که کارکرد بانک مرکزی را فرسوده می‌کند. نهایی که باید تمرکزش بر ثبات پولی، مهار تورم و مدیریت انتظارات باشد، بخش مهمی از توانش را صرف گردش روزمره ارز و پاسخ به مطالبات متنوع دستگاه‌ها می‌کند.

مشکل فقط این نیست که وظایف بانک مرکزی زیاد شده؛ مسئله مهم‌تر این است که اقتصاد ایران سال‌هاست با شوک‌های پی‌درپی زندگی می‌کند. در اقتصادی که افق پیش‌رو مبهم است، سیاست‌ها گاه ناگهانی تغییر می‌کنند و فعال اقتصادی هرروز با علامت‌های متناقض روبه‌روست، نرخ ارز فقط تابع عرضه و

تقاضای واقعی نیست. بخش مهمی از تحرکات بازار ارز از جنس انتظارات، ترس، احتیاط و بی‌اعتمادی است. بسیاری از کسانی که به بازار ارز وارد می‌شوند، نه واردکننده‌اند و نه صادرکننده؛ فقط می‌خواهند از دارایی خود در برابر فرسایش ارزش پول ملی محافظت کنند. اینجااست که روشن می‌شود مهار بازار ارز فقط با تزریق دلار ممکن نیست. وقتی اعتماد آسیب دیده، بازار پیش از آنکه به حجم عرضه نگاه کند، به آینده نگاه می‌کند. از این منظر، یکی از اشتباهات رایج در قضاوت درباره سیاست ارز، این است که همه چیز را به میزان مداخله نقدی بانک مرکزی تقلیل دهیم. اینکه چه مقدار ارز فروخته‌شده، به‌تنهایی چیزی را ثابت نمی‌کند.

مهم این است که این مداخله با چه هزینه‌ای انجام شده، چه اثری بر انتظارات گذشته و تا چه اندازه توانسته بازار را از رفتارهای هیجانی دور کند. ممکن است یک مداخله محدود اداذقیق و به‌موقع، اثر اثبشتری از چند نوبت تزریق سسگنن ارز داشته باشد. همان‌طور که ممکن است فروش گسترده ارز، فقط چند روز آرامش بخرد و بعد بازار با شدت بیشتری به التهاب برگردد.

تجربه سال‌های گذشته هم کمابیش همین را نشان داده است. هر جا سیاست ارزی به جای تکیه بر منطق

اقتصادی، زیر فشار ملاحظات کوتاه‌مدت یا رویکردهای دستوری قرار گرفته، هزینه‌های آن دیر یا زود خود را نشان داده است.

نمونه روشن آن، سیاست ارز ترجیحی بود. ارزی که قرار بود سپر حمایت از معیشت مردم باشد، در عمل به یکی از پرهزینه‌ترین تجربه‌های ارزی کشور تبدیل شد. شکاف میان نرخ رسمی و نرخ بازار، انگیزه رانت و سوء استفاده را بالا برد، نظارت را دشوار کرد و در نهایت، هم به منابع ارزی فشار آورد و هم اعتماد عمومی را فرسوده‌تر کرد. مسئله فقط این نبود که ارز ارزان توزیع شد؛ مسئله این بود که سیاستگذار گمان کرد می‌تواند با سرکوب قیمت، بر واقعیت‌های اقتصاد غلبه کند.

با این همه نباید از این واقعیت هم غافل شد که بخشی از مداخله ارزی در ایران، ناگزیر و حتی ضروری است. کشوری که برای تأمین دارو، مواد اولیه تولید، نهاده‌های دامی و برخی نیازهای حیاتی خود به واردات وابسته است، نمی‌تواند بازار ارز را به حال خود رها کند.

اگر ارز این بخش‌ها تأمین نشود، تبعات آن مستقیم بر سفره مردم، امنیت غذایی و حتی آرامش اجتماعی اثر می‌گذارد؛ بنابراین بحث بر سر صرف مداخله نیست؛ بحث بر سر این است که این مداخله تا چه حد هدفمند، شفاف و مبتنی بر اولویت‌های روشن باشد.

در کنار این ضرورت‌ها، باید یک واقعیت مهم را هم پذیرفت؛ توان بانک مرکزی برای مداخله نامحدود نیست. نه منابع ارزی کشور بی‌پایان است، نه دسترسی به آنها در شرایط تحریمی آسان. در سال‌هایی که درآمد‌های نفتی تحت فشار قرار می‌گیرد و جابه‌جایی ارز با هزینه و محدودیت همراه است، بانک مرکزی نمی‌تواند نقش بازیگری را ایفا کند که هر زمان بازار ملتهب شد، با قدرتی تمام عیار وارد میدان شود و همه چیز را به روال عادی برگرداند. مداخله ارزی در چنین وضعیتی، بیشتر هنر مدیریت محدودیت‌ه است تا نمایش قدرت.

از همین رو، اگر قرار است بازار ارز به ثباتی پایدار برسد، راه‌حل را باید بیرون از خود این بازار هم جست‌وجو کرد. تا وقتی بودجه دولت ناتراز است تا وقتی رشد نقدینگی مهار نمی‌شود تا وقتی نظام بانکی با مشکلات مزمن دست و پنجه نرم می‌کند و تا وقتی فعال اقتصادی از آینده تصویری روشن ندارد، فشار بر بازار ارز ادامه پیدا می‌کند. بانک مرکزی در بهترین حالت می‌تواند دامنه نوسان را کمتر کند، نه اینکه به‌تنهایی ریشه بی‌ثباتی را بخشکند.

بازار ارز در ایران بیشتر از تزریق مقطعی، به بازسازی اعتماد نیاز دارد؛ اعتمادی که فقط با انضباط مالی، شفافیت، ثبات در تصمیم‌گیری و روشن شدن مرز مسئولیت‌ها میان دولت و بانک مرکزی احیا می‌شود. اگر این مرزها همچنان مبهم بماند و سیاستگذار پولی ناچار باشد همزمان هم خزانه‌دار فشارهای دولت باشد، هم متولی تخصیص، هم بازیگر بازار و هم مسئول مهار تورم، طبیعی است که کارآمدی‌اش کاهش پیدا کند.

آچه در بازار ارز دیده می‌شود، بیش از آنکه محصول کمبود صرف دلار باشد، نتیجه فشردگی مجموعه‌ای از بحران‌های حل‌نشده است. در چنین فضایی، مداخله بانک مرکزی لازم است، اما کافی نیست. این بازار با سسکن آرام می‌شود، اما خوب نمی‌شود.

درمان واقعی، از مسیر اصلاح ساختارها می‌گذرد؛ از جایی که اقتصاد ایران بتواند بالاخره میان سیاستگذاری ارزی، نیازهای تجاری دولت و واقعیت‌های بودجه‌ای، مرز روشنی بکشد. تا آن روز، بازار ارز همچنان نه فقط دماسنج اقتصاد، بلکه محل فوران تبه‌های فروخورده آن باقی خواهد ماند.

بازار ارز در ایران فقط بازاری برای خرید و فروش دلارو یورو نیست. این بازار عملاً به نقطه تلاقی سیاست‌های مختلف تبدیل شده است؛ از تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی و دارو گرفته تا تأمین نیازهای تولید، نهاده‌های کشاورزی و حتی بخشی از نیازهای انرژی

آمار مؤسسه کپلر استخراج کرده است؛ اما در ادامه می‌نویسد که ۸۰ درصد مذکور منظور تمام کشتی‌هایی است که از مسیر تحت کنترل آمریکا در سواحل عمان استفاده کرده‌اند، یا با ردیاب‌های خاموش از تنگه هرمز از مسیر نامعین عبور کرده‌اند. نکته عجیب استدلال سی‌ان‌ان اینج است که بر اساس آمار کپلر، تعداد کشتی‌های مشخص که از مسیر عمان عبور کرده باشند در طول هفته اخیر دقیقاً معادل صفر بوده است، پس آنچه مبنای شمارش سی‌ان‌ان قرار گرفته است، کشتی‌ها با ردیاب‌های خاموش و مسیرهای نامعین است.

بر اساس آمار مؤسسه کپلر در روز ۲۸ مرداد، ۱۰ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند (۶ کشتی خروجی و ۴ کشتی ورودی). این مؤسسه تأکید می‌کند که تمامی کشتی‌هایی که ردیاب روشن داشتند، یعنی ۵ کشتی از مسیر یکجانبه تحت کنترل ایران عبور کرده‌اند و ۵ کشتی باقیمانده با ردیاب‌های خاموش از مسیرهای نامعین عبور کرده‌اند.

سی‌ان‌ان در گزارش خود صرفاً به عدد ۸۰ درصد اشاره کرده است، اما برای بررسی دقیق‌تر این ادعا باید آمار دقیق منتشر شده توسط کپلر را بررسی کرد. این آمار متعلق به بازه زمانی ۱۰ تا ۲۸ مرداد است.

کل کشتی‌های عبوری: ۲۳۶ فروند شناور از تنگه عبور کرده‌اند.

مسیر ایرانی: ۸۳ فروند به صورت آشکار از مسیر ایرانی استفاده کردند (۳۵ درصد کل تردد). مسیر عمانی: تنها ۳ فروند به صورت عمومی از مسیر عمانی استفاده کردند.

مسیر پیش از جنگ (وسط تنگه): ۲ فروند از مسیر قدیمی وسط تنگه عبور کردند.

مسیرهای نامشخص یا پنهان: ۱۴۸ فروند شناور (بیش از ۶۰ درصد کل شناورها) سامانه ردیابی خود را خاموش کرده یا از مسیرهای نامشخص عبور کرده‌اند.



در این میان برخی رسانه‌های آمریکایی نیز به شکل سازمان‌یافته برای حمایت از موضع دولت، همزمان با ادعاهای دولت آمریکا گزارش‌های سفارشی با هدف تقویت این ایده که عبور نفت از تنگه هرمز به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده و ایران کنترل خود را بر تنگه هرمز از دست داده است، منتشر کردند.

سی‌ان‌ان در گزارشی گمراه‌کننده با عنوان ایران کنترل مؤثر بر تنگه هرمز را از دست داده است مدعی شد که براساس داده‌های مؤسسه ردیابی کشتی کپلر بیش از ۸۰ درصد از مایعات نفتی عبوری از تنگه هرمز از مسیر تحت کنترل آمریکا در سواحل عمان عبور کرده‌اند.

این گزارش که به هیچ‌آمار و ارقام دقیقی اشاره نمی‌کند، در حقیقت با یک تیرتر جعلی تلاش می‌کند با مغالطه اینگونه وانمود کند که بر اساس بررسی‌های آماری از دست رفتن کنترل تنگه هرمز اثبات کرده است.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) در گزارش دورنمای کوتاه‌مدت بازار انرژی خود تأکید می‌کند که تردد در تنگه هرمز در کوتاه‌مدت، دست کم تا پایان ماه اوت (ماه جاری میلادی) به شدت محدود باقی خواهد ماند. سی‌ان‌ا دع‌ای می‌کند که این ادعا را بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای مفارشی برای جنگ روانی

عبور نفتکش‌های خیالی ترامپ از هرمز؛ روایت‌سازی واشنگتن برای کنترل بازار نفت و انتخابات

دولت ایالات متحده آمریکا پس از ناگاهی در وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به بازگشایی تنگه هرمز با استفاده از اهرم نظامی و فشار اقتصادی، بار دیگر به تلاش برای خیرسازوی انتشار اطلاعات جعلی برای کنترل بازارها روی آورده است. در شرایطی که قیمت جهانی نفت خام طی روزهای گذشته با استمرار کاهش آمریکا در مسیر پایان جنگ روند افزایشی گرفته است و به بیش از ۹۱ دلار در هر بشکه رسید، دولت ایالات متحده آمریکا به خیرسازوی و انتشار اخبار و اطلاعات جعلی در مورد کنترل تنگه هرمز روی آورده است تا در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا قیمت نفت خام را در بازارهای جهانی کاهش دهد و قیمت بنزین را در آمریکا که به یکی از نقاط ضعف حزب حاکم در انتخابات تبدیل شده است، کنترل کند.

بر اساس آمار منتشر شده از سوی نهادهای مستقل ارزیابی ترافیک دریایی در طول هفته‌های گذشته، از زمان انسداد کامل تنگه هرمز توسط ایران به دلیل اقدام‌های نظامی آمریکا و نقض تعهدات در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، تردد در تنگه هرمز بسیار ناچیز باقی مانده است و صرفاً از مسیر تحت کنترل ایران انجام می‌شود اما همزمان مقام‌های دولت آمریکا در اظهارنظرهای علنی خود ادعاهای مختلفی را در مورد میزان عبور نفت از تنگه هرمز مطرح کرده‌اند که کاملاً با گزارش نهادهای مستقل ارزیابی ترافیک دریایی در تضاد است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در جمع خبرنگاران مدعی شد: دیشب تعداد زیادی کشتی از تنگه هرمز عبور کردند. ما بر تنگه تسلط کامل داریم. طی چند هفته گذشته، مقدار زیادی نفت از تنگه هرمز عبور کرده است. خیلی زیاد. در واقع، همه از این موضوع شگفت‌زده شده‌اند. این ادعا مکمل اعداد و ارقام عجیبی بود که یک هفته قبل کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا در مورد

وب‌سایت اوایل پرایس در گزارشی با بررسی ادعای